



نقش زنان در جنبش مشروطه‌خواهی^۱

پرویز اختیارالدین

فعال نمودن جنبش زنان ایران، بی‌گمان یکی از دستاوردهای شگرف جنبش مشروطه‌خواهی است. روزگاری کارلا سرنا گردش‌گر مشهور اروپایی پس از بازدید از ایران، درباره‌ی زنان ایرانی چنین نوشت: «... در اندرون، زن‌ها کم می‌نویسند و کم کتاب می‌خوانند. آن‌ها کتاب و قلم‌دان را با آینه و سرمه‌دان عوض کرده‌اند.» قرار گرفتن ایران در گردونه‌ی دادوستد جهانی که از آغاز دوره‌ی قاجاریه به صورت جدی شروع می‌شود، زن ایرانی را نیز رفته‌رفته از دید اندیشه‌گی و فرهنگی دگرگون می‌سازد. با رسوخ اندیشه‌های نوین که از اروپا سرچشمه می‌گیرد، پای زنان ایرانی نیز به جنبش‌های آزادی‌خواهانه کشیده می‌شود و زنان نخست به صورت بسیار جدی و فعال در جنبش تنباکو و سپس در سال‌های پس از آن در جنبش مشروطه‌خواهی ظاهر می‌شوند. برای نمونه در سال ۱۲۷۴ خورشیدی مردم تبریز علیه قحطی ناشی از احتکار گندم توسط حکمران و چند دلال وابسته به او، به پا می‌خیزند. در این مبارزه، زنان ستون اصلی را تشکیل می‌دهند و در زدوخورد و تیراندازی هشت نفر از زنان جان می‌بازند. سال بعد گروهی از زنان متشکل و مسلح به رهبری زنی به نام زینب پاشا، انبار غله‌ی والی ظالم و محترک آذربایجان را در پی درگیری مسلحانه می‌گشایند و گندم‌ها را میان مردم تقسیم می‌کنند. روز بیست و دوم آذرماه سال ۱۲۸۴ خورشیدی در تهران زنان در پشتیبانی از بست‌نشینان حرم شاه‌عبدالعظیم، سربازان را سنگ‌باران می‌کنند. دو روز پس از آن مردم به ساختمان در حال ساخت بانک استقراضی روس حمله می‌برند. در این هجوم مردمی، صف نخست را زنان تشکیل می‌دهند. شرکت متشکل زنان ایران به ویژه در انقلاب مشروطیت، چنان اثرگذار است که مورگان شوستر امریکایی، که در

آن هنگام مستشار مالی حکومت ایران است، می‌نویسد: «زنان باحجاب ایران باتجربه‌ی ناچیز خود یک شبه آموزگار، روزنامه‌نویس، موسس باشگاه‌ها (انجمن‌ها)ی زنان و سخنگوی مباحث شدند. آن‌ها کاری کردند که زنان غربی ده‌ها و شاید صدها سال برای انجام آن امور، وقت صرف کرده بودند.»

در آن هنگام تنی چند از اندیشگران و روزنامه‌نگاران انقلابی چون مرحوم **علی‌اکبر دهخدا** در روزنامه‌ی **صور/سرافیل**، **ایرج میرزا** با شعرهای خود در نشریات گوناگون، **محمد رضا مساوات** در نشریه‌ی **مساوات**، **محمد امین رسول‌زاده** در روزنامه‌ی **ایران نو**، روزنامه‌ی **حبل‌المتین**، **سید حسن تقی‌زاده** در برخی از مقاله‌های خود و سایرین از خواست‌های اجتماعی زنان و جنبش آن‌ها دور محور این مطالبات به شدت پشتیبانی می‌کنند.

با شعله‌ور شدن آتش جنبش مشروطه، انجمن‌ها و سازمان‌های مترقی و انقلابی زیادی از سوی زنان ایرانی برای یاری به جنبش مشروطه پدید می‌آید. نام بسیاری از این‌گونه انجمن‌ها و جمعیت‌ها در تاریخ مذكر این مرزوبوم ثبت نشده است؛ ولی تا آن‌جا که نوشته‌ها و مدارک نشان می‌دهد می‌توان از انجمن‌ها و سازمان‌های زیر نام برد.

۱- انجمن غیبی نسوان در دی‌ماه ۱۲۸۵ خورشیدی برپا می‌شود و عمه‌ی **جهانگیر خان شیرازی**، مدیر انقلابی روزنامه‌ی **صور/سرافیل**، از بنیان آن است. از دیگر پایه‌گذاران این انجمن می‌توان از زن **حیدر خان تبریزی** نام برد که کمیتة‌ی را برای حفاظت از جان علمایی که جزو آزادی‌خواهان هستند و بر منبرها علیه استبداد و دربار سخنرانی می‌کنند، تشکیل می‌دهد.

در تاریخ نهم مهرماه ۱۲۸۶ خورشیدی این انجمن طی پیامی از نمایندگان مجلس می‌خواهد که هرچه زودتر متمم قانون اساسی را تدوین کرده و اگر نمی‌تواند تدوین نمایند، استعفا دهند و کار مملکت را به دست زنان بسپارند.

۲- انجمن آزادی زنان که در دی‌ماه ۱۲۸۵ خورشیدی بنیان گذاشته شد. هر هفته، دوبار در باغی خارج از تهران تشکیل جلسه می‌دهد و در جلسات آن مسایل انقلاب و نقش زنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- انجمن مخدرات وطن در سال ۱۲۸۹ خورشیدی شکل می‌گیرد و نخستین دبیر آن **آغاییگم**، دختر **شیخ هادی نجم‌آبادی** است. این انجمن دارای شصت عضو فعال است. از مهم‌ترین فعالیت‌های آن تبلیغ گسترده برای تحریم مصرف کالاهای خارجی، تاسیس چندین یتیم‌خانه، بنیان‌گذاری چندین باب مدرسه‌ی دخترانه و برپا کردن ده‌ها کلاس اکابر زنانه می‌باشد.

در سال ۱۳۰۱ خورشیدی خانم **صدیقه دولت‌آبادی** به عنوان نماینده‌ی زنان ایران از سوی این انجمن برگزیده شده و راهی شهر برلین در کشور آلمان می‌شود و در کنگره‌ی بین‌المللی زنان جهان شرکت می‌کند. او در سال ۱۳۰۵ خورشیدی در اصفهان روزنامه‌ی **زبان زنان** را منتشر می‌کند.

۴- انجمن خواتین ایران: سال تاسیس ۱۲۸۹ خورشیدی.

۵- جمعیت نسوان وطن‌خواه، پایه‌گذار **محترم اسکندری** با نشریه‌ی به نام **نسوان وطن‌خواه**.

۶- انجمن هیئت خواتین

۷- هیئت خواتین تهران (مرکزی). این هیئت به همراه جمعیت نسوان وطن‌خواه، اتحادیه‌ی نسوان و انجمن

مخدرات وطن به هنگام اولتیماتوم روس‌ها، علیه دولت روسیه تظاهرات زنانه‌ی عظیمی را رهبری کردند.

۸- اتحادیه‌ی نسوان ۹- انجمن نسوان ۱۰- کمیته‌ی زنان ۱۱- شرکت خیریه‌ی خواتین ایران ۱۲- هیات نسوان اصفهان ۱۳- انجمن شکوفه: **مریم عمید سمنانی** ملقب به **مزمین السلطنه** بانی این انجمن و صاحب امتیاز و سردبیر روزنامه‌ی شکوفه ارگان آن است. روزنامه‌ی شکوفه از سال ۱۲۹۰ خورشیدی تا آذرماه ۱۲۹۴ خورشیدی در چهار صفحه منتشر می‌شود و در هر شماره خط‌مشی روزنامه تحت عنوان «سرلوحه» به چاپ می‌رسد که چنین است: «روزنامه‌ی است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحه‌ی اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، که مسلک مستقیم‌اش تربیت دوشیزگان و تصفیه‌ی اخلاق زنان و راجع به مدارس نسوان.»

خانم مریم مزمین السلطنه انگیزه‌ی خود را از انتشار روزنامه چنین شرح می‌دهد: «سال‌ها در این خیال بودم که چه جهت دارد از ما زن‌های ایرانی، هیچ آثار علم و دانشی به عرصه‌ی بروز و ظهور نرسد و از آن جایی که هیچ وقت خیال نمی‌کردم که باید علم و دانش منحصر به صنف رجال باشد و زنان از این فیض عظمی محروم و مایوس باشند؛ در صورتی که قادر متعال هر دو را یکسان آفریده... بر خود مخیر نمودم که روزنامه‌ی شکوفه، که هنوز طفل نابالغ و چون شکوفه شکفته است، را طبع نمایم.»

روزنامه‌ی شکوفه پس از چهارسال انتشار مداوم و پرثمر که با همت خانم مریم عمید سمنانی صورت می‌گیرد، سرانجام به علت کمبود کاغذ در بازار، که ناشی از احتکار آن توسط محترکان کاغذ است، از فعالیت باز می‌ماند.

۱۴- انجمن پیک سعادت نسوان توسط خانم **روشنک نوح دوست** و چند تن دیگر از زنان مبارز پایه‌گذاری می‌شود.

ارگان این انجمن، نشریه‌ی «پیک سعادت نسوان» است که مقاله‌های بسیار متنوع و جالبی درباره‌ی شرایط اجتماعی زنان در جهان و ایران، چگونگی اتحاد و تشکل زنان ایران و روش‌های مبارزاتی ویژه‌ی زنان برای احقاق حقوق خود را در برمی‌گیرد. این انجمن برای نخستین‌بار در ایران، روز هشتم مارس یعنی روز جهانی زن را با شرکت تعداد زیادی از زنان مبارز در تهران برگزار می‌کند.

۱۵- انجمن خیریه‌ی زنان ارمنی تهران

متأسفانه از بسیاری از انجمن‌های زنان، رهبری آن‌ها، تعداد اعضاء، محل دفتر، چگونگی فعالیت، ساختار سازمان و خط‌مشی مبارزاتی آنان آگاهی زیادی در دست نیست، این موضوع ریشه در تاریخ مذكر ایران دارد که در درازنای سده‌ها حاکمیت استبداد سیاه شرقی، کار را تا به آن‌جا می‌رساند که نیمی از افراد جامعه - حتا مادران و خواهران و زنان خود را - به حساب نمی‌آورند و از زنان، حرکات اجتماعی آنان و از عناصر زنانه در تاریخ ما یاد نمی‌شود. این حرکت ارتجاعی تا به آن‌جا استمرار می‌یابد که حتا پس از پیروزی نیمه‌کاره‌ی انقلاب مشروطیت از مشارکت زنان در حاکمیت خودداری می‌شود.

به هر حال آن چه که مسلم است و تاکنون مشخص گردیده، می‌توان از زنان نام برده در زیر به عنوان برخی از رهبران انقلابی و مترقی انجمن‌های زنان ایران در آن دوره یاد کرد: آغاییگم دختر نجم‌آبادی، همسر ملک‌المکلمین خطیب انقلابی، همسر میرزا سلیمان‌خان میکده، آناهید داویدیان همسر پیرم‌خان، دره‌المعالی معلم، دختر سردار افخم

گیلانی، صفیه یزدی، شمس‌الملوک جواهر کلام، طوبی آزموده، بی‌بی‌خانم استرآبادی (وزیروف) نویسنده‌ی کتاب «معایب الرجال» و خانم هما محمودی، نویسنده.

در تاریخ جنبش مشروطه جایی درخور به جنبش زنان و یاری آن‌ها به این جنبش داده نشده است و تنها در برخی از کتاب‌ها به صورت بسیار چکیده به مواردی چون چگونگی سازماندهی زنان در پشت جبهه‌ی آزادی‌خواهان و یا شرکت زنان در جنگ‌ها با لباس مردانه اشاره‌هایی گردیده است. برای نمونه نشریه‌ی *حبل‌المتین* می‌نویسد: «... در یکی از زدوخوردهای بین اردوی انقلابی معروف ستارخان با لشکریان شاه، بین کشته‌شدگان انقلابی جسد بیست زن مشروطه‌طلب در لباس مردانه پیدا شده است.»

پس از انقلاب مشروطه گرچه در قانون اساسی کوچک‌ترین حقی برای زنان، چه از نظر انتخاب شدن و چه از لحاظ انتخاب کردن و حقوق دیگر، قایل نمی‌شوند، ولی زنان ایران با روشن‌بینی ویژه‌ی خود و درک شرایط دشوار و بحرانی کشور نه تنها اعتراضی نمی‌کنند بل از پشتیبانی بی‌دریغ مجلس نوپای شورای ملی دست نمی‌کشند و در شرایطی که برای تشکیل بانک ملی ایران سرمایه‌ی لازم در اختیار دولت نیست، زنان ایران با فروش زیورآلات خود به این کار ملی و میهنی یاری زیادی می‌رسانند.

پس از انقلاب مشروطه از کارهای مهم اندیشگران انقلابی که با همت زنان آزادی‌خواه شکل می‌گیرد، تاسیس مدارس دخترانه و زنانه است. نخستین مدرسه‌ی دخترانه به نام «مدرسه‌ی دوشیزگان» به مدیریت خانم **بی‌بی خانم وزیروف** و به دنبال آن «مدرسه‌ی ناموس» با مدیریت خانم **طوبی آزموده** در سال ۱۲۸۶ خورشیدی برپا می‌گردد. در اهمیت روزافزون جنبش زنان ایران همین بس که پس از به توپ بستن مجلس و آغاز دوره‌ی جدید اختناق سیاسی، حزب دموکرات ایران آن‌ها را مورد خطاب قرار می‌دهد که: «شما زن‌های ایران همان‌طوری که در نهضت مشروطه چادر به سر و تفنگ در دست قیام کردید و امروز هم خواهرهای شما در تبریز تفنگ به دست در سنگر می‌جنگند... موقع آن رسیده که بار دیگر بر ضد ظلم قیام کنید و دشمن بدخواه را از پای درآورید و آزادی را به دست بیاورید.»

بنابراین جنبش مشروطه‌خواهی زمینه‌ی فراهم می‌آورد تا ارزش‌های ناشناخته و استعدادهای ذاتی زنان ایرانی بروز بیشتری یابد و به این وسیله، پوسته‌ی سنت‌های اشتباه گذشته را شکافته و خود را رها سازند. انقلاب مشروطه‌ی ایران زنان را به این حقیقت و باور می‌رساند که هرگاه میدان عمل حتا محدودی برای آنان گشوده شود، زنان ایران نیک می‌دانند که چگونه باید برای رشد خود و کل جامعه گام‌های بلندی بردارند.

پی‌نوشت

- این مقاله پیش‌تر در ماه‌نامه‌ی *نقدنو*، سال سوم، شماره‌ی ۱۳، تیر و مرداد ۸۵ چاپ شده است.
۱. بخشی از کتاب *فرود انقلاب مشروطه و فراز کمیته‌ی مجازات*، نوشته‌ی پرویز اختیارالدین.